



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)  
Vol.3 / No.5 / Spring & Summer 2025  
P-ISSN: 2980-7808  
E-ISSN: 3092-7919  
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

## Genealogy of Power and Knowledge in the Qur'anic Information System: An Exegetical Reinterpretation of Verse 83, Surah An-Nisa

Reza Mollazadeh Yamchi

Postdoctoral Researcher in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I. R. Iran (Corresponding Author)

Email: [reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir](mailto:reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir)

Meisam Sho'aib

PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I. R. Iran

Email: [m.shoaib68@gmail.com](mailto:m.shoaib68@gmail.com)



### Citation

Mollazadeh Yamchi, R., Sho'aib, M. (2025). Genealogy of Power and Knowledge in the Qur'anic Information System: An Exegetical Reinterpretation of Verse 83, Surah An-Nisa. *Aeine Hokmrani*, 3(5), 293-320

[10.22034/ah.2025.2056681.1033](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2056681.1033)

Type of Article: Research Article

Received: 27 September 2024

Revised: 22 December 2024

Accepted: 26 March 2025

Publish Online: 22 June 2025

### Abstract

The present study aims to conduct a genealogical analysis of Verse 83 of Surah An-Nisa and its complementary verses, with the goal of deriving a theoretical framework entitled "Islamic Epistemic Governance." This article addresses the central question of how the Qur'anic model of information management, with a focus on the development of the concepts of "Uli al-Amr" (those in authority) and "Mustanbitin" (the ones who derive knowledge), structures the relationship between power and knowledge, and what principles it provides for confronting contemporary information crises. For this purpose, using a dual qualitative approach that includes content analysis of exegeses and Foucauldian critical genealogy, the evolution of discourses in this field has been examined. The findings indicate that the understanding of "Uli al-Amr" has evolved throughout history from an executive authority to an epistemic authority. Moreover, the Qur'anic information system is based on four principles: universal responsibility and verification, reference to a dynamic authority, specialized inference, and the fundamental role of faith in providing protection. The ultimate outcome is the presentation of a framework for Islamic Epistemic Governance, a model in which the legitimacy of power is linked to the wise management of knowledge for ensuring the security and guidance of the Ummah, and which, with an emphasis on value-based foundations, possesses the capacity to address contemporary information challenges.

### Keywords

Information Management, Islamic Governance, Qur'an 4:83, Exegetical Genealogy, Power, Knowledge, Information Security.

E

EH  
A

I

Scientific Journal on The Islamic Governance  
Vol.3 / No.5 / Spring & Summer 2025



Publisher: Publications Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought  
© The Author(s)





دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی  
سال سوم / شماره ۵ / بهار و تابستان ۱۴۰۴  
P-ISSN: 2980-7808  
E-ISSN: 3092-7919  
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

## تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

رضا ملازاده یامچی

پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران  
(نویسنده مسنول)

Email: [reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir](mailto:reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir)

میثم شعیب

دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران

Email: [m.shoaib68@gmail.com](mailto:m.shoaib68@gmail.com)



### استناد به این مقاله:

ملازاده یامچی، رضا و شعیب، میثم (۱۴۰۴). تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء. نشریه آیین حکمرانی، ۳ (۵)، ۳۲۰-۲۹۳.

[10.22034/ah.2025.2056681.1033](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2056681.1033)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲  
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

پژوهش پیش رو با هدف واکاوی تبارشناسانه آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مکمل آن، به دنبال استخراج یک چهارچوب نظری تحت عنوان «حکمرانی معرفتی اسلامی» است. این مقاله به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که الگوی قرآنی مدیریت اطلاعات، با تمرکز بر تطور فهم مفاهیم «اولوالامر» و «مستنبطین»، چگونه رابطه میان «قدرت» و «معرفت» را صورت‌بندی کرده و چه اصولی را برای روبه‌روشدن با بحران‌های اطلاعاتی معاصر ارائه می‌دهد. برای این منظور با اتخاذ رویکردی کیفی و دوگانه که شامل تحلیل محتوای تفاسیر و تبارشناسی انتقادی فوکویایی است، سیر تحول گفتمان‌ها در این زمینه بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فهم از «اولوالامر» در طول تاریخ، از یک «اقتدار اجرایی» به سوی یک «اقتدار معرفتی» تطور یافته است. همچنین نظام اطلاعاتی قرآن، بر چهار اصل استوار است: مسئولیت‌پذیری همگانی و تبیین، ارجاع به مرجعیت پویا، استنباط تخصصی و نقش بنیادین ایمان در مصونیت‌بخشی. دستاورد نهایی، ارائه چهارچوب «حکمرانی معرفتی اسلامی» است؛ الگویی که در آن، مشروعیت قدرت به مدیریت حکیمانه معرفت برای تأمین امنیت و هدایت امت گره می‌خورد و با تأکید بر مبانی ارزشی، ظرفیت پاسخگویی به چالش‌های نوین اطلاعاتی را داراست.

### واژگان کلیدی

مدیریت اطلاعات، حکمرانی اسلامی، آیه ۸۳ سوره نساء، تبارشناسی تفسیر، قدرت، معرفت، امنیت اطلاعات.



## ۱. مقدمه

### ۱-۱. طرح مسئله

عصر پیش رو، دوران سیطره اطلاعات و درعین حال، تشدید بحران‌های ناشی از آن است. رشد انفجاری فناوری‌های ارتباطی، افزون‌بر تسهیل بی‌سابقه دسترسی به داده‌ها، به پدیده‌هایی چون اشباع اطلاعاتی، هرج و مرج اطلاعاتی و گسترش فزاینده اخبار خلاف واقع (Fake News) و اطلاعات گمراه‌کننده (Disinformation) دامن زده است (Zuboff, 2019, p.115). این وضعیت - که از آن به «عصر پس‌حقیقت» و «جنگ روایت‌ها» نیز تعبیر می‌شود - نه تنها امنیت روانی و انسجام اجتماعی جوامع را به مخاطره افکنده، بلکه ثبات و کارآمدی نظام‌های حکمرانی را با چالش‌های بنیادین روبه‌رو ساخته است (Harsin, 2108, p.305). تشخیص حقیقت از میان انبوه داده‌های متناقض و جهت‌دار و اتخاذ تصمیمات بر پایه معرفت صحیح، به یکی از معضلات اساسی حکمرانی مدرن بدل شده و ضرورت بازاندیشی در مبانی نظری، ارزشی و راهبردی مدیریت اطلاعات را دوچندان کرده است.

### ۱-۲. اهمیت پژوهش

در این هنگامه، رجوع به منابع وحیانی و متون بنیادین تمدن اسلامی، می‌تواند افق‌های جدیدی را برای فهم ژرف‌تر ابعاد بحران و استخراج اصول راهبردی پایدار بگشاید. قرآن کریم به‌مثابه کتاب حکمت و هدایت، نه تنها دربردارنده احکام فردی و عبادی، بلکه مشتمل بر مبانی و قواعدی جامع برای سامان‌بخشی به حیات اجتماعی و سیاسی است. از این منظر بررسی رویکرد قرآن به مقوله اطلاعات و سازوکارهای مدیریت آن، از اهمیت نظری و کاربردی شایانی برخوردار است. آیه ۸۳ سوره نساء، با ارائه چهارچوبی منسجم درباره چگونگی رویارویی با اخبار حساس امنیتی و باتأکید بر پیوند سه‌گانه «اطلاعات»، «قدرت» (مرجعیت تصمیم‌گیری) و «معرفت» (فرآیند استنباط)، به‌مثابه متنی کانونی در این حوزه قابل تأمل است. این پژوهش، بر آن است تا با بازخوانی تفسیری این آیه و آیات مکمل آن،

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

ابعاد این چهارچوب قرآنی را واکاوی کرده و دلالت‌های آن را برای نظریه‌پردازی در باب «حکمرانی معرفتی» در جامعه اسلامی تبیین کند.

### ۱-۳. پیشینه و خلأ پژوهشی

پژوهش‌های فراوانی پیرامون مدیریت اطلاعات و رسانه در اسلام، انجام شده است. دسته‌ای از این آثار، به مباحث کلی اخلاق رسانه، آسیب‌شناسی شایعه و حجیت خبر در منابع اسلامی پرداخته‌اند (برای نمونه ر.ک: معتمدنژاد، ۱۳۸۵/فرقانی، ۱۳۹۷). دسته دوم، به صورت ویژه به تفسیر آیه ۸۳ سوره نساء در چهارچوب تفاسیر سنتی یا موضوعی پرداخته‌اند، اما به طور عمومی از دیدگاه فقهی یا اخلاقی به موضوع نگریسته‌اند و کمتر به ابعاد حکمرانی و نسبت آن با قدرت توجه کرده‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸). دسته سوم، به مفهوم حکمرانی در اندیشه اسلامی پرداخته‌اند، اما مدل مشخصی برای «حکمرانی اطلاعاتی» بر پایه تحلیل متون قرآنی ارائه نکرده‌اند.

با بررسی پژوهش‌های اخیر، شکاف اصلی پژوهش در سه حوزه قابل شناسایی است:  
\* خلأ روش‌شناختی: علی‌رغم اهمیت رویکردهای انتقادی، تحلیل آیه ۸۳ سوره نساء از منظر تبارشناسی فهم و با تمرکز بر چگونگی برساخته‌شدن و تطور مفاهیم «قدرت» و «معرفت» در گفتمان‌های تفسیری مختلف، موردکاوش قرار نگرفته است.

\* خلأ نظری: پیوند میان تحلیل تفسیری آیه و نظریه‌پردازی برای ارائه یک چهارچوب منسجم تحت عنوان «حکمرانی معرفتی اسلامی» که در آن مشروعیت قدرت به توانایی مدیریت معرفت گره خورده باشد، امری نو و بدیع است.

\* خلأ تحلیلی: ادغام تحلیلی آیه ۸۳ نساء با آیات مکملی چون آیه نبأ، داستان هدهد و مرد دونده، برای استخراج یک نظام اطلاعاتی یکپارچه، کمتر در پژوهش‌ها دیده می‌شود.

این پژوهش به دنبال آن است تا با اتخاذ رویکردی تبارشناسانه و با تمرکز بر رابطه قدرت و معرفت، این خلأها را برطرف کرده و به فهمی ژرف‌تر از ظرفیت‌های قرآن برای پاسخ به بحران‌های اطلاعاتی معاصر نائل آید.

#### ۱-۴. پرسش و مدعای اصلی پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که الگوی قرآنی مدیریت اطلاعات، بر اساس بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مکمل آن، چگونه با تحلیل تبارشناسانه فهم مفاهیم کانونی «اولوالامر» و «مستنبطین» در طول تاریخ تفکر اسلامی، رابطه میان قدرت و معرفت را صورت‌بندی کرده و چه اصول بنیادینی برای حکمرانی اطلاعاتی در رویارویی با بحران‌های معاصر از آن قابل استخراج است؟

مدعای اصلی این مقاله، آن است که آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مرتبط، با تأکید بر ضرورت ارجاع اخبار حساس، به یک مرجعیت صالح و آگاه، الزام به تحقیق و تبیین پیش از هرگونه اقدام و ارزش‌گذاری بر استنباط و تحلیل تخصصی، مبانی یک حکمرانی معرفتی را در جامعه اسلامی پی‌ریزی می‌کنند. در این مدل، مشروعیت و کارآمدی نظام اطلاعاتی، به توانایی آن در مدیریت هوشمندانه معرفت برای تأمین امنیت و تحقق هدایت امت گره خورده است. تحلیل تبارشناسانه تفاسیر این آیه، به‌ویژه در مورد مفهوم اولوالامر، نشان‌دهنده رقابت گفتمانی مستمر برای تعریف و تعیین مصادیق این مرجعیت کلیدی و در نتیجه، بازتعریف پویای رابطه قدرت و معرفت در جامعه اسلامی است.

#### ۱-۵. روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و بر پایه تحلیل محتوای ژرف تفاسیر قرآن کریم است. این تحلیل با اتخاذ رویکردی هرمنوتیکی، به دنبال فهم لایه‌های معنایی آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مرتبط، در بستر تاریخی و زبانی آنهاست. همزمان با بهره‌گیری از روش تبارشناختی، سیر تطور فهم مفاهیم کانونی (مانند اولوالامر و استنباط) در سنت تفسیری اسلامی، ردیابی شده و تلاش می‌شود این تطور در نسبت با زمینه‌های فکری، کلامی، فقهی و سیاسی هر دوره و با تمرکز بر چگونگی بازنمایی و برساخت مفاهیم قدرت و معرفت در آرای مفسران، واکاوی شود. داده‌های اصلی این پژوهش، مجموعه تفاسیر معتبر شیعه و سنی موجود در پایگاه داده (فیش خام) پژوهش است.

## ۱-۶. تعریف عملیاتی مفاهیم کلیدی

در این پژوهش، باتوجه به ضرورت استناد تعاریف به مبانی نظری معتبر، مفاهیم محوری به صورت زیر تعریف و به کار گرفته می شوند:

۱. قدرت - معرفت (Knowledge - Power): این چهارچوب مفهومی، با الهام از رویکردهای انتقادی در فلسفه قاره‌ای که بر رابطه دوسویه، درهم تنیده و برساخت‌گرایانه قدرت و معرفت تأکید دارند (فوکو، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵)، تعریف می‌شود. از این منظر قدرت، صرفاً سرکوبگر نیست، بلکه مولد گفتمان‌ها و نظام‌های معرفتی است و معرفت نیز به نوبه خود، ابزار و محصول روابط قدرت است (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹، ص ۲۱۲). باتوجه به اینکه این پژوهش ماهیتی تبارشناسانه دارد، این دو مفهوم به صورت پیوسته تعریف می‌شوند:

الف) قدرت (در حوزه اطلاعات): به توانایی و اختیار مشروع برای کنترل، پالایش، جهت‌دهی و تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعات و همچنین قابلیت تأثیرگذاری بر جریان اطلاعات و شکل‌دهی به افکار و رفتار عمومی اطلاق می‌شود.

ب) معرفت (در حوزه اطلاعات): به شناخت معتبر، پالایش شده و مستنبط از داده‌ها و اخبار خام اشاره دارد که مبنای تشخیص حقیقت، فهم مصلحت و اتخاذ تصمیمات صحیح در سطوح فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

۲. حکمرانی معرفتی اسلامی (چهارچوب مفهومی برساخته در این پژوهش): این مفهوم، که بر پایه مفهوم عمومی حکمرانی (Governance) به معنای فرایندها و ساختارهای رسمی و غیررسمی برای راهبری و مدیریت امور جامعه (خوشنویس، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴) بنا شده، به عنوان نوآوری این تحقیق صورت‌بندی می‌شود. حکمرانی معرفتی اسلامی به نظامی از اصول، ساختارها و فرایندها اطلاق می‌شود که در آن، مشروعیت و کارآمدی اعمال قدرت و مدیریت جامعه، به طور بنیادین به توانایی آن نظام در تولید، اعتبارسنجی، مدیریت و بهره‌برداری صحیح از معرفت، به‌ویژه در شرایط بحرانی و برای تأمین اهداف کلان امت (مانند امنیت و هدایت)، وابسته است.

۳. تبارشناسی تفسیری (روش‌شناسی پژوهش): این مفهوم، به عنوان رویکرد روش‌شناختی

این مقاله، برگرفته از روش تبارشناسی در سنت مطالعات انتقادی میشل فوکو و کاربست آن در حوزه مطالعات قرآنی است. تبارشناسی در پی کشف خاستگاه‌های اصیل و خطی نیست، بلکه به دنبال واکاوی پیشامدهای جزئی، گسست‌ها و چگونگی برآمدن تفاسیر و کردارهایی است که در لحظه‌ای خاص از تاریخ، به‌عنوان حقیقت پذیرفته شده‌اند (فوکو، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰). براین اساس تبارشناسی تفسیری به‌معنای مطالعه انتقادی سیر تاریخی تطور فهم و تفسیر یک مفهوم یا متن قرآنی، باهدف آشکارسازی گسست‌ها، پیوست‌ها و زمینه‌های فکری و اجتماعی مؤثر بر این تطور می‌باشد.

## ۲. آیه ۸۳ سوره نساء، بستر نزول و شبکه مفهومی اولیه در پرتو گفتمان صدر اسلام

محور اصلی این پژوهش، تحلیل تبارشناختی آیه ۸۳ سوره نساء است. این آیه که چهارچوبی بنیادین برای مدیریت اطلاعات ارائه می‌دهد، به شرح زیر است:

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ  
وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَتَبَعْتُمْ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا.

فهم دقیق این آیه، نیازمند بررسی بافت نزول و مفاهیم کلیدی آن، در پرتو تفاسیر متقدم است. از این رو این بخش ابتدا زمینه تاریخی - اجتماعی نزول آیه را واکاوی کرده و سپس به تحلیل واژگان محوری آن و دلالت‌های اولیه بر قدرت و معرفت می‌پردازد.

### ۲-۱. زمینه تاریخی - اجتماعی نزول

نزول آیه ۸۳ سوره نساء، به شرایط پرتنش جامعه نوپای مدینه پس از هجرت پیوند داده می‌شود. این دوران، با چالش‌های داخلی (حضور منافقان و تزلزل نومسلمانان) و تهدیدات خارجی (از سوی مشرکان و قبایل یهود) همراه بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۵/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۲). در این فضای بحرانی، اخبار مربوط به «امن» و «خوف»، به عنصری راهبردی بدل شد که مدیریت آن تأثیری تعیین‌کننده بر امنیت و انسجام جامعه اسلامی داشت. آیه در چنین بستری، رفتار «إذاعه» (نشر بی ضابطه اخبار) را نقد می‌کند که طی آن، گروهی از افراد اخبار امنیتی را بدون تحقیق و کسب اجازه از مرجعیت منتشر می‌کردند.

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

این عمل، کنشی مخرب با پیامدهایی چون تضعیف روحیه مؤمنان، ایجاد اضطراب عمومی و بهره‌برداری دشمنان تلقی می‌شد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۹۳ / طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۱۴).

تفاسیر درباره مصداق این افراد، دو گروه اصلی را مطرح می‌کنند: گروه اول، «منافقان» هستند که عامدانه با تحریف اخبار به دنبال ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان بودند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۹۳ / ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۵۱۱). شأن نزول آیه نیز به افشای اخبار سری جنگی توسط آنان مرتبط دانسته شده است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۲۷۹ / ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۵۰). گروه دوم، «ضعفاء الایمان» یا افراد ساده لوحی بودند که نه از روی عناد، بلکه به سبب عدم درک حساسیت اخبار، ناخواسته به بازنشر شایعات می‌پرداختند (ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۵۱۱ / زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰).

برای تبیین بهتر این فضا، به نمونه‌های تاریخی همچون جنگ روانی ابوسفیان پیش از غزوه بدر صغری نیز اشاره شده است (برای نمونه ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰ / طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۲۷ / مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۰۲). در چنین شرایطی آیه ۸۳ نساء با ارائه راهکار «ارجاع اخبار به مراجع صالح»، به دنبال تثبیت مرجعیت اطلاعاتی مرکزی بود تا مانع از هرج و مرج خبری شود و میان مدیریت اطلاعات، قدرت مشروع و معرفت معتبر پیوندی ناگسستنی برقرار کند.

## ۲-۲. مفاهیم کلیدی آیه؛ قدرت و معرفت در تفاسیر متقدم

فهم عمیق‌تر سازوکار پیشنهادی آیه، نیازمند درک دقیق واژگان کلیدی آن در سیاق زبانی قرآن و باتوجه به برداشت‌های مفسران پیشین (به‌طور عمده از قرن اول تا قرون چهارم و پنجم هجری) است. این واکاوی، دلالت‌های اولیه این مفاهیم را بر پویایی‌های قدرت و معرفت در آن بستر تاریخی آشکار می‌سازد:

### ۲-۲-۱. «إِذَاعَهُ (أَذَاعُوا بِهِ)»؛ چالش در برابر اقتدار اطلاعاتی و برهم‌زننده نظم معرفتی

فعل «أذاعوا به»، به معنای پخش و افشای خبر (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۱۴ / طوسی، بی تا،

ج ۳، ص ۲۷۲)، در سیاق آیه، یک کنش اجتماعی - سیاسی مخرب است. این عمل، به سبب آنکه بدون کسب مجوز از مرجعیت مرکزی و سنجش صحت و مصلحت نشر صورت می‌گیرد، اقتدار اطلاعاتی حاکمیت را به چالش می‌کشد. ناشر بی ضابطه خبر (مُذیع) با این کار، خود را به منبعی مستقل بدل کرده و قدرت شکل‌دهی به افکار عمومی را از کنترل مرکز خارج می‌کند. چنین اقدامی در شرایط بحرانی، برای جامعه نوپای اسلامی خطرآفرین بود و به تعبیری می‌توانست «منشأ فتن و آفات» شود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳).

### ۲-۲-۲. «ردّ الی... (وَلَوْ رَدُّوه)»؛ راهبرد بازتثبیت قدرت و متمرکزسازی فرایند تولید معرفت

در مقابل اذاعه و پیامدهای مخرب آن، قرآن راهکار ردّ (بازگرداندن، ارجاع‌دادن، و تفویض امر) اخبار را به مراجع ذیصلاح مطرح می‌کند. این ردّ، نه تنها یک توصیه اخلاقی برای پرهیز از شایعه‌پراکنی و عجله در نشر اخبار، بلکه یک استراتژی بنیادین برای بازتثبیت قدرت مشروع در حوزه اطلاعات و متمرکزسازی فرایند تولید و اعتبارسنجی معرفت در دستان مرجعیت شناخته‌شده و مسئول است. با الزام به ارجاع اخبار به الرسول و اولوالامر، نخست اینکه، از پراکندگی و تکرر بی ضابطه منابع خبری و در نتیجه، ازدست‌رفتن کنترل بر جریان اطلاعات جلوگیری می‌شود (تمرکز قدرت اطلاعاتی)؛ دوم اینکه، این ارجاع، فرصتی برای پالایش، تحلیل دقیق و تولید معرفت معتبر و قابل‌اتکا از دل اخبار خام و شایعات، توسط مراجعی که صلاحیت علمی و عملی لازم را دارند، فراهم می‌آورد. این فرایند، اقتدار تفسیری (حق تفسیر نهایی وقایع) و قدرت تصمیم‌گیری (اختیار اقدام یا عدم اقدام) را به مرکز باز می‌گرداند و از اقدامات شتاب‌زده و بر پایه جهل یا سوءنیت جلوگیری می‌کند.

### ۳-۲-۲. «الرّسول»؛ کانون مشروعیت‌بخش قدرت و سرچشمه معرفت هدایتگر

نخستین و عالی‌ترین مرجع برای ردّ اخبار و مدیریت اطلاعات در جامعه اسلامی، شخص پیامبر ﷺ است. این امر، ناشی از جایگاه منحصر به فرد ایشان به عنوان دریافت‌کننده وحی، مبین شریعت، و رهبر الهی جامعه در تمامی شئون، از جمله امور سیاسی، نظامی و اجتماعی است. مرجعیت پیامبر ﷺ در اینجا، هم شامل اقتدار سیاسی و اجرایی برای اتخاذ

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

تصمیمات لازم و مدیریت بحران‌ها، و هم اقتدار معرفتی برای تشخیص صحت از سقم اخبار، فهم عواقب امور و درک مصالح بنیادین امت است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۵) که بر علم الهی و عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان مبنای این مرجعیت تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۳). ارجاع امور به رسول، در واقع تسلیم شدن در برابر منبعی است که معرفت او از سرچشمه وحی و هدایت الهی سیراب می‌شود و قدرت او بر پایه مشروعیت الهی و در جهت تحقق اهداف عالی‌ه دین است.

#### ۲-۲-۴. «أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ»؛ نهادینه‌سازی اولیه قدرت - معرفت مشورتی و اجرایی

در تفاسیر متقدم و با توجه به بستر نظامی - امنیتی آیه، دو دیدگاه اصلی درباره مصادیق «اولوالامر» وجود دارد. دیدگاه نخست، آن را به دارندگان مسئولیت‌های اجرایی و فرماندهی، مانند «امراء السرایا» (فرماندهان نظامی) و «ولاة» (کارگزاران حکومتی) تفسیر می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۵/ ماوردی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱). این نگاه، «اولوالامر» را در وهله اول، به مثابه دارندگان قدرت اجرایی می‌بیند. در مقابل، دیدگاه دوم با وسعت نظر بیشتری، مصادیق آن را به «اهل علم و فقه» و «اصحاب رأی و بصیرت» از میان صحابه تعمیم می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۳/ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۱۵/ ماوردی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱). این نگاه، بر جنبه معرفتی و تخصصی این جایگاه تأکید دارد. این تنوع اولیه در فهم «اولوالامر» و تأکید همزمان بر ابعاد «قدرت» و «معرفت»، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این مفهوم قرآنی و زمینه‌ساز تطورات بعدی آن در تاریخ تفکر اسلامی است.

#### ۲-۲-۵. «الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»؛ فرایند تولید معرفت معتبر و صاحبان اقتدار تشخیص

پیامد ارجاع اخبار به مراجع صالح، دستیابی به حقیقت توسط «الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (کسانی که قدرت استنباط دارند) است. واژه «استنباط» که از ریشه «نبط» (اولین آب چاه) گرفته شده (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳/ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۷۳)، بر فرایندی فراتر از علم سطحی دلالت دارد. این مفهوم به معنای استخراج دقیق حقیقت از پس ظواهر و دستیابی به فهمی اطمینان‌بخش از واقعیت است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۷۳/ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۱).

«مستنبطین»، افرادی با اقتدار معرفتی هستند که توانایی تبدیل اطلاعات خام به معرفت قابل اتکا را دارند و این امر، بر اهمیت تخصص در نظام اطلاعاتی اسلام تأکید می‌کند. درباره اینکه آیا این افراد همان «الرَّسُولُ وَأُولَى الْأَمْرِ» هستند یا گروهی متخصص در میان آنان، در تفاسیر متقدم بحث‌هایی وجود دارد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۱۵-۱۱۶). با این حال نکته مشترک در تمام دیدگاه‌ها، ارزش‌گذاری بر فرایند تولید معرفت تخصصی به‌عنوان مبنای تصمیمات صحیح و حفظ امنیت جامعه است.

تحلیل تفاسیر متقدم، نشان می‌دهد که آیه ۸۳ سوره نساء در پاسخ به بحران اطلاعاتی جامعه نوپای مدینه نازل شده است. این آیه با تجمیع قدرت و معرفت در یک مرجعیت مرکزی و متخصص (الرَّسُول، اولوالامر و مستنبطین)، چهارچوبی برای مقابله با هرج و مرج اطلاعاتی ارائه می‌دهد. این شالوده مفهومی پویا، نقطه عزیمت مباحثات گسترده بعدی در تاریخ تفکر اسلامی بوده است.

### ۳. تبارشناسی «اولوالامر»؛ از قدرت اجرایی تا اقتدار معرفتی

مفهوم کانونی «اولوالامر» و به‌تبع آن «مستنبطین» در آیه ۸۳ نساء، از حساس‌ترین عرصه‌های تلاقی اندیشه دینی با واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی در تاریخ اسلام است؛ زیرا تعیین مصداق این مرجعیت، فهم جامعه از ساختار قدرت و مشروعیت را شکل می‌دهد. این بخش با رویکردی تبارشناسانه، سیر تحول فهم این مفاهیم کلیدی را در گفتمان‌های تفسیری غالب، از دوران تأسیس تا عصر حاضر، تحلیل می‌کند. هدف، آشکارسازی تأثیر زمینه‌های تاریخی هر دوره بر این تفاسیر و نقش هر تفسیر در بازتولید یا به‌چالش کشیدن الگوهای خاص توزیع قدرت و معرفت است.

#### ۳-۱. دوران تأسیس؛ «اولوالامر» به‌مثابه‌نخبگان اجرایی - نظامی

در سده‌های نخستین اسلامی و با توجه به چالش‌های نظامی و ضرورت تثبیت حکومت، تفاسیر آیه ۸۳ نساء بیشتر بر مصداق اجرایی - نظامی «اولوالامر» متمرکز بودند. این نگاه که

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

بازتاب‌دهنده نیازهای آن دوران است، «اولوالامر» را بیشتر بر فرماندهان نظامی (امرای سرایا) و کارگزاران حکومتی (ولایة) تطبیق می‌دهد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۱۵/ ماوردی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱۱/ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۹۳/ فراء، ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۲۷۹).

در این گفتمان اولیه، «قدرت» اولوالامر، اجرایی و نشأت گرفته از منصب نظامی - سیاسی آنان برای مدیریت بحران بود. «معرفت» لازم برای این جایگاه نیز، بیش از آنکه نظری باشد، بر تجربه میدانی و درک مقتضیات جنگ و صلح استوار بود. «استنباط» نیز به معنای فهم واقعیت میدانی و اتخاذ تدبیر عملی بود که به وسیله خود این امر یا مشاورانشان انجام می‌گرفت. این رویکرد، بیانگر ضرورت تمرکز اطلاعات و تصمیم‌گیری در مراحل اولیه تکوین جامعه اسلامی است.

## ۲-۳. عصر تدوین؛ رقابت گفتمان‌ها در تعریف مرجعیت

با گسترش قلمرو اسلامی، پیچیده‌تر شدن ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به‌ویژه با تدوین و نظام‌مندی علوم اسلامی همچون کلام، فقه و اصول، فهم از مفهوم اولوالامر و به تبع آن مستنبطین نیز دچار تطور، تعمیق و تنوع چشمگیری شد. در این دوره، مبانی اعتقادی و فقهی هر یک از مذاهب و مکاتب فکری اسلامی، تأثیر مستقیمی بر تفسیر این جایگاه کلیدی و تعریف نسبت آن با قدرت - اعم از قدرت سیاسی، دینی، قضایی یا اجتماعی - و معرفت - اعم از معرفت وحیانی، عقلی، نقلی، یا تخصصی - گذاشت و شاهد ظهور و رقابت گفتمان‌های متفاوتی در این زمینه هستیم که هر یک به گونه‌ای به دنبال تعریف و تحدید مرجعیت اطلاعاتی و اقتدار معرفتی در جامعه اسلامی بودند.

### ۱-۲-۳. گفتمان امامت محور؛ انحصار مرجعیت در ائمه علیهم‌السلام

در گفتمان تفسیری شیعه امامیه، با استناد به سنت روایی گسترده، مفهوم «اولوالامر» در این آیه، همچون آیه ۵۹ سوره نساء، به طور قاطع بر ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام تطبیق داده شده است. این دیدگاه در تفاسیر متقدم و روایی شیعه، به صراحت بیان شده و مصداق این مفهوم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام معرفی شده‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۵/ طوسی، بی‌تا،

ج ۳، ص ۲۷۲ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۶ / حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۲۲-۵۲۳).  
 در این نگاه، «قدرت» ائمه علیهم‌السلام، الهی و ناشی از نصب است، نه عوامل بشری مانند بیعت. «معرفت» ایشان نیز بر پایه علم لدنی و عصمت مطلق از خطاست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۲-۲۴). از این رو استنباط به معنای حقیقی، یعنی کشف یقینی حقایق، تنها در شأن ایشان است و علم دیگران، در مرتبه‌ای فروتر و برگرفته از تعالیم آنان قرار دارد. این دیدگاه، الگویی از «حاکمیت معرفتی» بر پایه وحدت قدرت الهی و معرفت معصومانه را ارائه می‌دهد که هدف آن، هدایت و مصونیت بخشی به جامعه است.

### ۲-۳. گفتمان اهل سنت؛ از اقتدار حاکم تا معرفت عالم

در تفاسیر اهل سنت، با توجه به تنوع مبانی کلامی و واقعیت‌های تاریخی، سه جریان اصلی در تفسیر «اولوالامر» قابل تفکیک است:

الف) اقتدار سیاسی حاکم: این دیدگاه، با امتداد نگاه متقدمین، «اولوالامر» را بر خلفا، سلاطین و حاکمان عادل تطبیق می‌دهد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۵۰ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۵۳). در این نگاه، قدرت سیاسی، مبنای مرجعیت اطلاعاتی است و معرفت لازم، از راه تجربه حکمرانی و مشورت به دست می‌آید.

ب) اقتدار معرفتی علما: این دیدگاه، بر جنبه معرفتی تأکید کرده و «اولوالامر» یا به طور ویژه «مستنبطین» را به علما، فقها و اصحاب بصیرت تفسیر می‌کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۱۵ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۳ / ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۵۱۱). در برخی تفاسیر نیز میان «اولوالامر» (امرا) و «مستنبطین» (اهل فن و خبرگان نظامی)، تمایز قائل شده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۱ / بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۷). در این نگاه، اقتدار معرفتی و دانش تخصصی، مبنای صلاحیت در تحلیل اطلاعات است و نوعی تفکیک میان قدرت سیاسی حاکم و اقتدار علمی علما را به رسمیت می‌شناسد.

ج) مرجعیت جمعی اهل حل و عقد: نگاهی تلفیقی، «اولوالامر» را به نهاد «اهل حل و عقد» به مثابه مرجعیتی متشکل از نخبگان سیاسی، علمی و اجتماعی تفسیر می‌کند. در این

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

الگو، قدرت و معرفت در یک نهاد مشورتی تجلی می‌یابد و روح آن در تفاسیر سنتی نیز قابل‌ردیابی است (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ۲۹۸-۳۰۱).

این تنوع دیدگاه‌ها، بازتاب‌دهنده تلاش مستمر اندیشه سنی برای پیوند کارآمد میان قدرت سیاسی و اقتدار معرفتی متناسب با اقتضائات تاریخی است.

### ۳-۳. دوران معاصر؛ بازتفسیر «اولوالامر» در عصر دولت - ملت

در دوران معاصر، با تحولات بنیادینی چون افول نظام‌های خلافت سنتی، ظهور دولت - ملت‌های مدرن در جهان اسلام، پیچیدگی فزاینده ساختارهای حکومتی واداری، رشد بی‌سابقه و سراسرآم‌آور فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (و به تبع آن، انفجار اطلاعات و شایعات دیجیتال) و ظهور چالش‌های نوین امنیتی و اطلاعاتی در عرصه ملی و بین‌المللی، مفسران و اندیشمندان مسلمان با ضرورت بازتفسیر مفاهیم کلیدی همچون اولوالامر و مستنبتین روبه‌رو شده‌اند. این بازتفسیرها، تلاش دارند تا ضمن حفظ روح و اصول حاکم بر آیه، آن را با واقعیت‌های جدید و نیازهای روز جامعه اسلامی، سازگار ساخته و راهکارهایی برای مدیریت اطلاعات در این عصر پرآشوب ارائه دهند.

در این میان برخی اندیشمندان، همچنان بر مصادیق و مفاهیمی که ریشه در سنت فکری گذشته دارد، با نگاهی کاربردی‌تر به نقش آنان در مدیریت اطلاعات در جهان امروز و با در نظر گرفتن لزوم بهره‌گیری از ابزارها و دانش جدید تأکید می‌کنند. برای مثال در گفتمان شیعی معاصر، باتکیه بر مبانی نظریه ولایت فقیه، فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نایب امام معصوم (ع) در عصر غیبت، مصداق اولوالامر و مرجع نهایی در امور حکومتی، از جمله مدیریت اطلاعات و تشخیص مصالح کلان امت، شمرده می‌شود. این دیدگاه که در آثار اندیشمندانی چون آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۰ش، تفسیر سوره نساء، جلسه ۸۴)<sup>۱</sup> به تفصیل تبیین شده، بر لزوم ارجاع امور به رهبران الهی واجد شرایط در زمان غیبت تأکید دارد و آنان را مصداق اولوالامر و مستنبتین در چهارچوب مبانی فقهی و کلامی شیعه می‌داند. همچنین در بیانات و مکتوبات

۱. <https://news.esra.ir/fa/w/viewer/video/280550>

رهبران دینی - سیاسی معاصر، مانند آیت الله خامنه‌ای،<sup>۱</sup> به اهمیت آیه ۸۳ سوره نساء<sup>۲</sup> در چهارچوب حفظ امنیت اجتماعی، کنترل شایعات، مدیریت افشای اسرار مملکتی و لزوم ارجاع امور به مسئولین نظام اشاره شده است.

از سوی دیگر برخی مفسران و متفکران معاصر، با نگاهی نهادگرایانه‌تر و با الگوگیری از ساختارهای حکومتی مدرن و تقسیم کار تخصصی، اولوالامر و مستبطنین را بر نهادهای رسمی دولتی مسئول در حوزه اطلاعات، امنیت ملی، و سیاست‌گذاری‌های کلان و یا بر مجامع کارشناسی و تخصصی در زمینه‌های مختلف (مانند مراکز مطالعات راهبردی، شوراهای عالی تخصصی و نهادهای مشورتی علمی و فنی) تطبیق داده‌اند. سیدقطب (۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۷۲۳-۷۲۴) در تفسیر خود، بر اهمیت وجود قیادت شایسته و متخصص و لزوم رعایت نظام و انضباط در دریافت، تحلیل و نشر اطلاعات در چهارچوب یک ساختار منظم - که از آن به نظام جندیت تعبیر می‌کند - تأکید دارند. فضل الله (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۷۴-۳۷۵) آیه را به مدیریت اطلاعات در عصر رسانه‌ها، ضرورت حفظ اسرار و لزوم ارجاع امور به اهل خبره و متخصصین پیوند می‌زند. مدرسی (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۵) نیز بر نقش محوری قیادت در مدیریت بحران‌های اطلاعاتی و حفظ انضباط اداری و سازمانی تأکید دارد.

در این رویکردهای معاصر، قدرت و معرفت در چهارچوب ساختارها و فرایندهای نهادینه‌شده، تخصصی و مبتنی بر قانون و رویه‌های مشخص، تعریف می‌شوند و بر اهمیت بهره‌گیری از دانش روز، تحلیل‌های علمی و ابزارهای مدرن در مدیریت راهبردی اطلاعات و

۱. بیانات رهبری در جلسه چهاردهم تفسیر سوره بقره، در تاریخ ۱۳۷۰/۰۹/۰۶. آدرس:

<https://khl.ink/f/17176>

همچنین بیانات رهبری در ابلاغ تغییر نام ستاد فرماندهی کل قوا و ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵. آدرس: <https://khl.ink/f/2556>

همچنین بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، در تاریخ ۱۳۶۶/۰۲/۱۸. آدرس: <https://khl.ink/f/21494>

۲. بیانات رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام در تاریخ

۱۳۷۸/۰۳/۱۲. آدرس: <https://khl.ink/f/2954>

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

مقابله با تهدیدات نوین تأکید می‌شود. این بازتفسیرها، نشان‌دهنده پویایی اندیشه اسلامی و تلاش مستمر آن برای پاسخگویی به چالش‌های نوپدید اطلاعاتی و ارائه الگویی کارآمد، روزآمد و بر پایه اصول دینی برای حکمرانی اطلاعاتی در عصر حاضر است.

#### ۳-۴. تحلیل نهایی تبارشناسی؛ «اولوالامر» به‌مثابه یک جایگاه کارکردی

مرور تبارشناسانه نشان می‌دهد که «اولوالامر» و «مستنبطین»، بیش از آنکه مصادیقی ثابت باشند، جایگاه‌هایی کارکردی در نظام اطلاعاتی و اقتدار جامعه اسلامی هستند. تعریف این جایگاه‌ها، همواره تحت تأثیر مبانی کلامی (مانند نظریات امامت یا خلافت)، تحولات سیاسی - اجتماعی و نیازهای هر عصر بوده است.

درواقع همواره نوعی رقابت گفتمانی میان نحله‌های فکری و سیاسی بر سر تعریف و تصاحب این جایگاه‌های کلیدی وجود داشته است. هر گفتمان، با برجسته‌سازی ویژگی‌های مطلوب خود (از عصمت الهی تا کارآمدی اجرایی) و ارائه استدلال‌های تفسیری، تلاش کرده تا الگوی دلخواه خود را برای توزیع مشروع قدرت و معرفت تثبیت کند.

با این حال به‌رغم این تنوع، یک وجه مشترک و پایدار در عموم تفاسیر قابل ردیابی است: اذعان به ضرورت وجود یک مرجعیت صالح و متخصص برای مدیریت اطلاعات حساس. این مرجعیت باید بتواند از هرج‌ومرج اطلاعاتی جلوگیری کرده و با تحلیل عمیق و تشخیص مصلحت، زمینه را برای تصمیمات مبتنی بر حقیقت و منافع امت هموار کرده و پیوندی کارآمد میان قدرت و معرفت برقرار کند.

#### ۴. نظام اطلاعاتی مطلوب در قرآن؛ اصول و سازوکارها

آیه ۸۳ سوره نساء، در کنار سایر آیات مرتبط در قرآن کریم، نه تنها به یک بحران اطلاعاتی خاص در صدر اسلام پاسخ می‌دهد، بلکه شالوده‌ای مستحکم و اصولی را برای یک نظام اطلاعاتی مطلوب در جامعه اسلامی ترسیم می‌کند. این نظام، بر تعاملی پویا میان مسئولیت‌پذیری فردی، مرجعیت نهادینه، تخصص‌گرایی در تحلیل و اتکای نهایی به هدایت

الهی استوار است و درهریک از این ارکان، چگونگی توزیع و اعمال قدرت اطلاعاتی و سازوکارهای تولید و اعتبارسنجی معرفت، به دقت مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش، با تحلیل عمیق آیه ۸۳ نساء و با بهره‌گیری از دلالت‌های غنی آیات مکمل - آیه نبأ (حجرات: ۶)، داستان هدهد و حضرت سلیمان علیه السلام (نمل: ۲۲) و داستان مرد دونه (قصص: ۲۰) - به تبیین چهار اصل بنیادین این نظام و چگونگی تأثیر آنها بر پویایی‌های قدرت و معرفت می‌پردازیم.

#### ۱-۴. اصل اول: مسئولیت‌پذیری همگانی و فرهنگ تبیین

نخستین اصل در نظام اطلاعاتی قرآن، مسئولیت‌پذیری همگانی و ضرورت تحقیق و «تبیین» (راستی‌آزمایی) پیش از نشر اخبار است. آیه ۸۳ سوره نساء با نکوهش شدید «إذاعه» (نشر بی‌ضابطه و شتاب‌زده اخبار)، نسبت به پیامدهای ویرانگر آن بر امنیت روانی و اجتماعی، هشدار می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۷۲/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۶/ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۱-۲۲). از منظر قدرت، «إذاعه» به معنای تصاحب بی‌ضابطه قدرت روایت به وسیله منابع غیرمسئول است.

این اصل، به شکلی صریح‌تر در آیه ۶ سوره حجرات (آیه نبأ) بیان شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمُ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...». این آیه، جدای از شأن نزول تاریخی آن (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۷۸-۷۹/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۹)، مؤمنان را به «تبیین» در برابر اخبار منابع غیرقابل اعتماد ملزم می‌کند. تبیین به معنای تحقیق دقیق و پرهیز از اقدام عجولانه مبتنی بر جهالت است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۱۰/ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۳۱۲-۳۱۳). این فرایند، از گردش معرفت کاذب جلوگیری کرده و جامعه را به سمت اتکاب اطلاعات معتبر سوق می‌دهد. در نتیجه این دو آیه در کنار هم، شالوده فرهنگ نقد اطلاعات و راستی‌آزمایی را در جامعه اسلامی بنیان می‌نهند.

#### ۲-۴. اصل دوم: مرجعیت پویا؛ تمرکز قدرت درعین گشودگی به معرفت

دومین اصل، «مرجعیت پویا» است که دو جنبه را همزمان دربرمی‌گیرد: تمرکز قدرت و گشودگی به معرفت. از یک سو آیه ۸۳ نساء، با التزام به ارجاع اخبار امنیتی به «الرّسول و

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

اولوالامر»، قدرت تصمیم‌گیری را برای حفظ انسجام و جلوگیری از هرج و مرج، در یک مرجعیت مرکزی متمرکز می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).<sup>۱</sup> از سوی دیگر این نظام، بسته و یک‌سویه نیست و برای گزارش‌دهی از قاعده به رأس ارزش قائل است. نمونه برجسته آن، داستان هدهد در سوره نمل است که با ارائه خبری مهم و ناشناخته به حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام اعلام می‌کند: «أَحَاطْتُ بِمَا لَمْ يَحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ» (نمل: ۲۲). در تفاسیر بر اهمیت این گزارش از سوی یک نیروی فرودست و نقش تربیتی آن در نشان‌دادن گستردگی منابع معرفت تأکید شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۵۹/فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۵۵۰-۵۵۱/ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۳۵۵).

واکنش حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام، الگوی مدیریت این نظام پویا را تکمیل می‌کند. ایشان خبر را نه رد و نه فوراً می‌پذیرد، بلکه با رویکردی محققانه، آن را در مسیر راستی‌آزمایی قرار می‌دهد: «قَالَ سَتَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (نمل: ۲۷). این داستان نشان می‌دهد که گزارش‌دهی از پایین به بالا، نه تنها مرجعیت مرکزی را نفی نمی‌کند، بلکه آن را با داده‌های میدانی تغذیه کرده و به تصمیمات آگاهانه‌تر یاری می‌رساند؛ مشروط بر آنکه اطلاعات به‌وسیله مرجع صالح، اعتبارسنجی و تحلیل شود. این پویایی، قدرت مرکزیت را با معرفت برآمده از قاعده، به شکلی سازنده پیوند می‌زند.

### ۳-۴. اصل سوم: استنباط تخصصی و کنشگری مسئولانه

سومین اصل، بر اهمیت «استنباط» (تحلیل تخصصی و فهم عمیق) برای تولید معرفت معتبر تأکید دارد. آیه ۸۳ نساء، نتیجه ارجاع اخبار را علم یافتن «الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (اهل استنباط) می‌داند. استنباط، فرایندی فراتر از فهم سطحی و به‌معنای کشف لایه‌های پنهان و درک دقیق مصالح امت است که باید مبنای تصمیم‌گیری صحیح قرار گیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳-۱۵۴/رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۹۹). این امر بر نقش محوری کارشناسان (مستنبطین) در نظام اطلاعاتی تأکید کرده و نشان می‌دهد که مشروعیت و

۱. <https://news.esra.ir/fa/w/viewer/video/280550>

کارآمدی «اولوالامر»، به معرفت حاصل از استنباط صحیح گره خورده است. در کنار این نقش تخصصی، قرآن برای کنشگری اطلاعاتی مسئولانه از سوی آحاد جامعه نیز ارزش قائل است. نمونه بارز آن، داستان «مرد دونده» در سوره قصص است: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص: ۲۰). این مرد، با درک درست از خطر و از روی احساس مسئولیت، اطلاعاتی حیاتی را برای نجات جان حضرت موسی عليه السلام به او می‌رساند. در تفاسیر، بر نقش کلیدی این اقدام به موقع و شجاعانه تأکید شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۳۲-۳۴ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۸۴ / مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۴۰ / ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۰۳). این داستان، الگویی برای کنشگری آگاهانه فردی است که می‌تواند مکمل نظام رسمی ارجاع بوده و به پویایی و کارآمدی آن در شرایط بحرانی یاری رساند.

#### ۴-۴. اصل چهارم: ایمان و هدایت الهی، زیربنای مصونیت اطلاعاتی

چهارمین اصل، نقش محوری «ایمان و هدایت الهی» به مثابه زیربنای معنوی و ضامن نهایی سلامت نظام اطلاعاتی است. بخش پایانی آیه ۸۳ نساء، این حقیقت را یادآور می‌شود: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا». در تفاسیر، «فضل و رحمت» الهی به هدایتی تعبیر شده که جامعه را در برابر فریب شایعات و وسوسه‌های شیطانی آسیب‌ناپذیر می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۲۴-۲۵ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۵-۱۵۶). در خصوص استثنای «إِلَّا قَلِيلًا»، تفاسیر دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ از جمله اینکه تنها عده‌ای معدود با ایمان راسخ می‌توانستند مصون بمانند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹۱-۹۲ / مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۵۰)، یا اینکه استثنا به افراد ثابت‌قدم در همان واقعه خاص تاریخی بازمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۰)، یا به فاعلین «إِذَاعَهُ» و «استنباط» در ابتدای آیه (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۱۶-۱۱۷ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۵-۱۵۶). صرف نظر از این جزئیات، پیام بنیادین آیه این است که مصونیت اطلاعاتی جامعه، تنها در

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

گرو سازوکارهای مدیریتی نیست، بلکه به طور اساسی به فضل الهی و پابندی جامعه به اصول ایمانی و تقوا وابسته است. این نگاه، بُعدی معنوی و ارزشی به نظام مدیریت اطلاعات در اسلام می‌بخشد و نشان می‌دهد که در این نظام، قدرت و معرفت زمانی به درستی اعمال می‌شوند که در پرتو ایمان باشند.

## ۵. ترکیب یافته‌ها؛ پویایی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن

تحلیل تبارشناسانه آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مکمل آن، گواه وجود یک نظام اطلاعاتی منسجم در اندیشه قرآنی است که بر تعامل پویا و چندوجهی قدرت و معرفت استوار است. این نظام، نه مجموعه‌ای از توصیه‌های پراکنده، بلکه چهارچوبی است که با تعریف، توزیع و مدیریت هوشمندانه این دو مفهوم بنیادین، به دنبال تحقق اهدافی چون امنیت، عدالت و هدایت جامعه است. این بخش، به ارائه سنتزی تحلیلی از این پویایی‌ها در سه محور اساسی می‌پردازد.

### ۵-۱. توزیع متوازن قدرت و مسئولیت در فرایند اطلاعات

الگوی قرآنی، میان تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مرجعیت مرکزی (الرّسول و اولوالامر) و توزیع مسئولیت اطلاعاتی در جامعه، تعادلی هوشمندانه برقرار می‌کند. از یک سو قدرت نهایی تحلیل تخصصی (استنباط) و اتخاذ تصمیمات الزام‌آور برای حفظ انسجام، در اختیار این مرجعیت قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۲۲ / جوادی آملی، ۱۳۹۰<sup>۱</sup> و از سوی دیگر با الزام همگانی به «تبتین» (حجرات: ۶)، مسئولیت راستی‌آزمایی اولیه به آحاد جامعه واگذار شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۶، ص ۵۲۶-۵۲۹). همچنین، داستان‌های همد (نمل: ۲۲) و مرد دونده (قصص: ۲۰) بر ارزش گزارش‌دهی از قاعده به رأس و کنشگری مسئولانه فردی، تأکید دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۵۵۰-۵۵۱ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۸۴). این دو سطح از قدرت و مسئولیت، در رابطه‌ای تعاملی و مکمل با یکدیگر عمل می‌کنند.

۱. <https://news.esra.ir/fa/w/viewer/video/280550>

## ۵-۲. منابع چندگانه و سازوکارهای مشروعیت بخشی به معرفت

نظام قرآنی برای دستیابی به معرفت معتبر، بر منابع و روش های متنوعی تأکید دارد و سازوکارهایی برای اعتبارسنجی آنها ارائه می دهد:

نخست، معرفت و حیانی و الهامی که به وسیله پیامبر ﷺ (و در نگاه شیعی، ائمه علیهم السلام) عرضه شده و از بالاترین درجه اعتبار برخوردار است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۵)؛ دوم، معرفت استنباطی و تخصصی که حاصل تحلیل عمیق و کارشناسانه «الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» از اطلاعات خام است و مشروعیت خود را از توانایی در کشف حقیقت و تشخیص مصلحت می گیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳-۱۵۴)؛ سوم، معرفت تجربی و میدانی که از مشاهده مستقیم و حضور در بطن وقایع (نمونه هدهد و مرد دونده) به دست می آید و می تواند داده های ارزشمندی را برای تکمیل و تصحیح معرفت در سطوح بالاتر فراهم آورد. افزون بر این سازوکارهای اعتبارسنجی مانند تبیین (حجرات: ۶)، تحقیق (رفتار حضرت سلیمان علیهما السلام با هدهد)، و خود فرایند ردّ به مراجع صالح (نساء: ۸۳)، برای پالایش اطلاعات و جلوگیری از اتکا به معرفت ناموثق، نقشی حیاتی ایفا می کنند. این تنوع، جامعیت و انعطاف پذیری الگوی قرآنی را در مسیر کشف حقیقت نشان می دهد.

## ۵-۳. تعامل دوسویه و پیچیده قدرت و معرفت

الگوی قرآنی، رابطه ای ارگانیک و دوسویه میان قدرت و معرفت را ارائه می دهد. از یک سو معرفت معتبر، منبع اصلی مشروعیت و کارآمدی قدرت اطلاعاتی است. صلاحیت و اقتدار اولوالامر و مستنبطین، به توانایی شان در استنباط حقیقت و تشخیص مصلحت گره خورده است (چنانکه از تأکید آیه ۸۳ نساء بر «یستنبطونه» برمی آید). قدرت بدون پشتوانه معرفت صحیح، به استبداد و جهالت در تصمیم گیری می انجامد (مفهوم مستفاد از تعلیل در آیه نبأ و هشدار در آیه ۸۳ نساء). از سوی دیگر قدرت مشروع، ابزاری ضروری برای مدیریت، جهت دهی و بهره برداری صحیح از معرفت در جهت مصالح عمومی است. مرجعیت الرسول و اولوالامر، با برخورداری از قدرت لازم، می توانند جریان اطلاعات را مدیریت، اخبار

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

نادرست را کنترل و معرفت پالایش شده را در جامعه ترویج کنند. این قدرت، همچنین برای اجرای تصمیمات بر پایه معرفت و الزام به رعایت ضوابط نظام اطلاعاتی ضروری است. در نهایت الگوی قرآنی به دنبال ایجاد یک تعادل پویا و مسئولانه میان تمرکز قدرت - معرفت در مرجعیت مرکزی (برای تصمیم‌گیری راهبردی و حفظ انسجام) و توزیع مسئولیت و امکان مشارکت آحاد جامعه (از طریق تبیین، گزارش‌دهی و کنشگری آگاهانه) است. این تعادل، ضامن کارآمدی، عدالت و پویایی نظام اطلاعاتی در جامعه اسلامی خواهد بود و از افراط در تمرکز (استبداد اطلاعاتی) و تفریط در توزیع (هرج و مرج اطلاعاتی) جلوگیری می‌کند.

این سنتز تحلیلی، نشان می‌دهد که قرآن کریم، قرن‌ها پیش، چهارچوبی ژرف و چندلایه برای مدیریت اطلاعات و تعامل قدرت و معرفت، ارائه داده که ظرفیت‌های آن برای پاسخگویی به چالش‌های معاصر، همچنان قابل تأمل است.

## ۶. بحث و نظر؛ دلالت‌های الگوی قرآنی برای حکمرانی اطلاعاتی معاصر

تحلیل تبارشناسانه آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مکمل، ظرفیت‌های الگوی قرآنی را برای پاسخ به چالش‌های حکمرانی اطلاعاتی معاصر آشکار می‌کند. این بخش، با ارائه چهارچوبی مفهومی، به بررسی ویژگی‌های متمایزکننده این الگو و ظرفیت‌های آن برای روبه‌رو شدن با بحران‌های نوین می‌پردازد.

### ۶-۱. چهارچوب حکمرانی معرفتی اسلامی؛ پیوند مشروعیت با مدیریت حکیمانه معرفت

یافته‌های این پژوهش، امکان صورت‌بندی چهارچوب حکمرانی معرفتی اسلامی را فراهم می‌آورد. این چهارچوب بر چهار ستون استوار است: ۱. مسئولیت‌پذیری همگانی و فرهنگ تبیین؛ ۲. مرجعیت‌گرایی ساختارمند و پویایی نظام ارجاع؛ ۳. تخصص‌گرایی در استنباط معرفت معتبر؛ ۴. نقش بنیادین ایمان و فضل الهی در مصونیت اطلاعاتی. در این مدل، مشروعیت و کارآمدی حکمرانی، با توانایی آن در مدیریت حکیمانه معرفت برای تأمین امنیت

وهدایت امت پیوند دارد. قدرت در خدمت تولید، پالایش و به‌کارگیری معرفت معتبر برای تحقق مصالح عمومی است و مرجعیت الرسول و اولوالامر، تجلی نهادینه‌شده این حکمرانی است که هم کنترل راهبردی اطلاعات و هم تولید معرفت مشروع را برعهده دارد. نقش آفرینی آحاد جامعه نیز به پویایی و پاسخگویی این نظام کمک می‌کند.

## ۲-۶. ویژگی‌های متمایزکننده الگوی قرآنی؛ فراتر از رویکردهای فنی و سکولار

الگوی حکمرانی معرفتی اسلامی دارای ویژگی‌های بنیادینی است که آن را از رویکردهای رایج سکولار متمایز می‌کند. نخست، مبانی ارزشی و اخلاقی چون تقوا، عدالت و امانت‌داری در آن نقشی محوری دارند؛ دوم، غایات و اهداف آن، فراتر از امنیت مادی، شامل هدایت معنوی جامعه و حفظ ایمان هم می‌شود؛ سوم، این الگو بر پیوند اطلاعات با مسئولیت اخروی تأکید دارد و هر اقدامی را در پیشگاه خداوند قابل محاسبه می‌داند. این تمایزات، نشان‌دهنده رویکردی جامع‌نگر و چندبعدی است که آن را نمی‌توان با مدل‌های فاقد این پشتوانه عمیق، دارای ارزشی یکسان پنداشت.

## ۳-۶. بازانندیشی در دوگانه کنترل - شفافیت؛ به‌سوی مدیریت حکیمانه اطلاعات

الگوی قرآنی، ما را به بازانندیشی در دوگانه ساده‌انگارانه کنترل در برابر شفافیت فرامی‌خواند. با در نظر گرفتن مجموعه اصول مستخرج (تأکید بر تبیین، ارزش‌گذاری بر گزارش‌دهی از پایین به بالا و کنشگری آگاهانه)، می‌توان استدلال کرد که الگوی قرآنی، نه یک الگوی سانسور مطلق، بلکه یک الگوی مدیریت حکیمانه، مسئولانه و مبتنی بر مصلحت و ریسک اطلاعات است. در این الگو، اطلاعات طبقه‌بندی شده و برای هر دسته، سازوکار متناسبی (از نشر عمومی تا ارجاع به متخصص و یا کنترل محدود در موارد ضروری امنیتی) پیش‌بینی می‌شود. هدف، جلوگیری از آسیب‌های اطلاعات نادرست و تضمین استفاده از اطلاعات، در جهت مصالح واقعی جامعه است. این مدیریت حکیمانه، نیازمند وجود اولوالامر و مستنبطینی با قدرت، معرفت، تقوا و عدالت است.

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

#### ۴-۶. ظرفیت‌های الگوی قرآنی برای رویارویی با چالش‌های نوین اطلاعاتی

اصول بنیادین این الگو، ظرفیت بالایی برای رویارویی با چالش‌های نوین اطلاعاتی دارند: تأکید بر تبیین در برابر اخبار جعلی و شایعات دیجیتال، امروزه در قالب سواد رسانه‌ای اهمیت یافته است. لزوم ارجاع به اولوالامر و مستنبطین، بر نیاز به تقویت نهادهای مرجع علمی و تخصصی برای تشخیص سره از ناسره، در انبوه اطلاعات تأکید دارد. ارزش‌گذاری بر استنباط و تحلیل عمیق، در برابر سطحی‌نگری رسانه‌ای، حیاتی است و در نهایت، اتکا به فضل الهی و تقویت بنیان‌های ایمانی و اخلاقی، مهم‌ترین سپر دفاعی در برابر امواج مسموم اطلاعاتی است. هرچند ارائه راهکارهای اجرایی دقیق نیازمند پژوهش‌های مستقل است، اما اصول قرآنی، ظرفیت الهام‌بخشی بالایی دارند.

این بحث نشان می‌دهد که تبارشناسی فهم متون مقدس، منبعی زایا برای نظریه‌پردازی و پاسخ به نیازهای حکمرانی در جهان امروز است.

#### نتیجه

این پژوهش با رویکردی تبارشناسانه و تفسیری نشان داد که آیه ۸۳ سوره نساء و آیات مکمل آن، شالوده‌ای مستحکم برای یک نظام اطلاعاتی پویا در اسلام فراهم می‌آورند. تحلیل تبارشناسانه از تفاسیر این آیه، آشکار ساخت که مفهوم کلیدی «اولوالامر»، به مثابه مرجعیت اطلاعاتی و معرفتی، در طول تاریخ و متأثر از زمینه‌های کلامی - سیاسی، از یک «اقتدار اجرایی - نظامی» به سوی یک «اقتدار معرفتی» تطور یافته است. این رقابت گفتمانی بر سر تعریف مرجعیت، بازتاب‌دهنده بازتعریف مستمر رابطه «قدرت» و «معرفت» در اندیشه اسلامی بوده است.

ادغام یافته‌های تبارشناسانه با تحلیل آیات مکمل، به استخراج چهار اصل بنیادین برای این نظام انجامید: ۱. مسئولیت‌پذیری همگانی بر پایه فرهنگ تبیین؛ ۲. ارجاع به مرجعیت پویا و متخصص؛ ۳. ضرورت استنباط تخصصی برای کشف حقیقت؛ ۴. نقش بنیادین ایمان در مصونیت‌بخشی به جامعه.

نوآوری اصلی این پژوهش، صورت‌بندی چهارچوبی مفهومی تحت عنوان «حکمرانی معرفتی اسلامی» بر اساس این اصول است؛ چهارچوبی که در آن مشروعیت و کارآمدی قدرت، به توانایی نظام در مدیریت حکیمانه معرفت برای تأمین «امنیت» و تحقق «هدایت» گره خورده است. این الگو، با فراتر رفتن از دوگانه ساده‌انگارانه کنترل - شفافیت و باتأکید بر ابعاد ارزشی، ظرفیت‌های قابل‌تأملی برای روبه‌رو شدن با بحران‌های اطلاعاتی معاصر ارائه می‌دهد.

پژوهش‌های آتی می‌توانند با گسترش دامنه منابع به متون فقهی و تاریخی و تلاش برای تدوین مدل‌های اجرایی مبتنی بر این چهارچوب، این بحث نظری را تکمیل و تعمیق بخشند.

تبارشناسی قدرت و معرفت در نظام اطلاعاتی قرآن؛ بازخوانی تفسیری آیه ۸۳ سوره نساء

## منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر سوره نساء، آیه ۸۳. وبسایت رسمی آیت الله جوادی آملی. بازیابی شده از: <https://news.esra.ir/fa/w/viewer/video/280550>.
۶. حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. قم: اسماعیلیان.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir>
۸. خوشنویس، یاسر (۱۳۹۹). درآمدی بر حکمرانی. تهران: نشر لوگوس.
۹. دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۷۹). میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک. تهران: نشر نی.
۱۰. رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفة.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م). جامع البیان فی تأویل القرآن. بیروت:

مؤسسة الرسالة.

۱۵. طوسی، محمدبن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۶. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۷. فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

۱۸. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۹۷). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری. تهران: تیسرا.

۱۹. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.

۲۰. فوکو، میشل (۱۳۸۹). اراده به دانستن: تاریخ جنسیت ۱. تهران: نشر نی.

۲۱. فوکو، میشل (۱۳۹۲). تئاتر فلسفه. تهران: نشر نی.

۲۲. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.

۲۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.

۲۴. ماوردی، علی بن محمد (بی تا). النکت و العیون. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۲۵. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبین الحسین علیه السلام.

۲۶. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵). اخلاق رسانه‌ای. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۲۷. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸). التمهید فی علوم القرآن. ج ۲. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.

۲۸. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الاسلامی.

۲۹. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسة الإمام

علی بن ابی طالب علیه السلام.

31. Zuboff, Shoshana (2019). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. PublicAffairs.

32. Harsin, Jayson. (2018). "Post-Truth and Critical Communication Studies". *Oxford Research Encyclopedia of Communication*. England: Oxford.